مجلّه‌ی جغرافیا و توسعه‌ی ناحیه‌ای، شماره‌ی ششم، بهار و تابستان ۱۳۸۵

دکتر حمیدرضا وارثی
زهتاب سروری
دانشگاه اصفهان

تحلیلی بر ارتباط متقابل توسعه، مهاجرت و شهرنشینی در ایران

چکیده

توزیع و پراکندگی جمعیّت، به چگونگی توزیع امکانات بستگی دارد. توزیع و تراکم جمعیّت، به دلیل اثرگذاری در دیگر ویژگیهای جمعیّت و وابستگی مهمّی که به ویژگیهای کلّی محل دارد، دارای اهمیّت است. برنامه‌ریزان می‌توانند با توزیع مناسب امکانات، پراکندگی جمعیّت را متعادل سازند و در نتیجه به توسعه‌ی پایدار دست یابند. هدف پژوهش حاضر، متعادل کردن توسعه در کشور و استفاده‌ی بهینه از قابلیّت‌ها و توانهای مناطق موجود است تا از تمرکز توسعه در یک نقطه و عقب‌ماندگی در جای دیگر جلوگیری شود.

نتایج به دست آمده، بیانگر این واقعیّت است که توزیع جمعیّت در کشور ما، متناسب با توانهای محیطی نیست و در مکانهایی مانند تهران، به دلیل تراکم بی رویّه‌ی جمعیّت، فشار روزافزونی بر طبیعت منطقه وارد می‌شود. در مقابل آنها، مناطقی وجود دارند که از ظرفیتّ محیطی‌شان استفاده لازم صورت نمی‌گیرد. این‌که چرا در برخی مکانها تمرکز بیش از اندازه‌ی جمعیّت وجود دارد، باید ریشه‌های آن را در عدم توزیع بهینه‌ی امکانات توسعه در کل کشور دانست.

روش تحقیق در این پژوهش، اسنادی و کتابخانه‌ای است و به کارهای آماری انتشاریافته توسط مرکز آمار ایران استناد شده است.

درآمد:

فعالیّت‌های اقتصادی، انواع و مقیاس آنها و همچنین خط مشی‌های سیاسی و اقتصادی دولت، اثرات بسیار مهمّی بر توزیع جمعیّت دارند.(مهدوی، ۱۳۷۱: ۷۹) از میان مسائل مربوط به جمعیّت، توزیع و تراکم آن، نه تنها به

خاطر این‌که در سایر ویژگی‌های جمعیّت اثر می‌گذارد، بلکه از جهت وابستگی مهمّی که به ویژگیهای محل مورد مطالعه دارد، در درجه‌ی اوّل اهمیت قرار می‌گیرد. بنابراین مطالعه‌ی الگوهای توزیع و تراکم جمعیّت، اساسی‌ترین نکته در درک جغرافیای هر سرزمین است. (نظری، ۱۳۷۶: ۳۱) در کشور ما، جمعیّت و امکانات بر اساس توانهای محیطی توزیع نشده است. به همین دلیل در برخی از مناطق، تراکم بیش از اندازه‌ی جمعیّت وجود دارد و در برخی دیگر از مناطق از ظرفیّت‌های لازم استفاده‌ی بهینه صورت نمی‌گیرد. همین موضوع موجب شده تا از طرفی شاهد مهاجرت از مناطق کمتر توسعه یافته به سوی مناطق توسعه یافته‌تر و از سوی دیگر شاهد گسترش مادر شهرها و به تبع آن گسترش حاشیه نشینی و مشاغل غیررسمی در اطراف شهرهای بزرگ باشیم. این موضوع به‌دنبال خود مشکلات متعددی را ایجاد می‌کند که برای کاستن این مشکلات، بهترین راه این است که آن‌را از ریشه (که همان مهاجرت از مناطق کمتر توسعه یافته می‌باشد) خشکانده و به تقویت مناطق کمتر توسعه یافته بپردازیم. برای این‌کار ابتدا باید شناخت دقیقی از مناطق مختلف کشور داشته باشیم تا برنامه‌ریزی بر اساس واقعیّات انجام گیرد.

توسعه یک پدیده‌ی اقتصادی ـ اجتماعی و فرهنگی است و بر خلاف رشد، یک موضوعی کیفی است و بالطبع اندازه‌گیری شاخص‌های کیفی مشکل‌تر از شاخص‌های کمّی می‌باشد و به ناچار برای اندازه‌گیری شاخص‌های کیفی باید از مواردی استفاده کرد که قابل تبدیل به شاخصهای کمّی باشند.

هدف این پژوهش، متعادل کردن توسعه در کشور و استفاده از قابلیّت‌ها و توانهای مناطق است تا از تمرکز توسعه در یک نقطه و عقب‌ماندگی در جای دیگر، جلوگیری به عمل آید.

مطالعات لازم برای تعیین میزان توسعه‌ی استانها انجام گرفته، و تأثیرات توسعه، شهرنشینی و مهاجرت در آن بررسی نشده است. این تحقیق با بهره گیری از آمارهای منتشر شده توسط مرکز آمار ایران تهیه شده، و امید است بتواند در کاهش مشکلات کمک کند. روش کار در این پژوهش اسنادی و کتابخانه‌ای است و ملاک کار آمارهای مرکز آمار ایران می‌باشد.

۱. توسعه چیست ؟

اگر چه توسعه یک پدیده‌ی عینی اقتصادی-اجتماعی است، ولی بر خلاف رشد امری پیچیده و چندبعدی است و به سادگی نمی‌توان با شاخص‌های کمّی، مانند درآمد سرانه، ازدیاد پس انداز و سرمایه گذاری اندازه‌گیری کرد.

تجربه‌ی کشورهای در حال توسعه از سال ۱۹۴۵ نشان می‌دهد که پیشرفت اقتصادی بدون تغییر و تحوّل مناسب در نظام سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تقریباً غیرممکن است. به عبارت دیگر «توسعه، به معنای ارتقاء مستمرّ جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر، و یا انسانی‌تر است» اجزای خاص این زندگی بهتر هرچه باشد، توسعه در کلیه‌ی جوامع حداقل باید دارای سه هدف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی باشد. (نراقی، ۱۳۷۰: ۳۰)

۱-۱. تفاوت رشد و توسعه :

رشد اقتصادی عبارت است از ازدیاد میزان تولید، در حالی که توسعه‌ی اقتصادی علاوه بر افزایش تولید ملّی، تغییرات فنّی و سازمانی و کیفیّت عمل تولید را هم شامل می‌شود (زمردیان،۱۳۶۴: ۲۰۲) در واقع رشد را به عنوان حرکت کمّی رو به جلو و توسعه را حرکت کیفی رو به جلو خلاصه کرده‌اند. (ایمانی راد، ۱۳۶۹: ۲۳)

در توضیح این دو واژه می‌توان گفت که هیچ کشوری در جریان رشد و توسعه‌ی اقتصادی نمی‌تواند از تأثیر حوزه‌های کمّی مغناطیسی محیط خود بر کنار بماند، زیرا در کانون انتشار توسعه و ترقّی عواملی موجود است که ممکن است امواج توسعه و ترقی را تحت تأثیر قرار دهد. این عوامل ممکن است دو اثر متضاد داشته باشد، یکی موجب تسریع توسعه و دیگری موجب کندی توسعه شود. (زمردیان، ۱۳۶۴: ۲۲۸) مهاجرت از عواملی است که می‌تواند اثرات مثبت و منفی بر توسعه داشته باشد.

۲-۱. دیدگاههای توسعه و مسائل اجتماعی

تا اواخر دهه‌ی ۱۹۵۰، عمدتاً مفهوم اقتصادی بر فرآیند توسعه تسلط داشت و تأمین نیازهای اساسی جامعه را نتیجه‌ی ضمنی رشد اقتصادی می‌دانستند، به همین دلیل، خط مشی‌های اجتماعی در مراحل بعدی اولویّت قرار داشت.

در دهه‌ی ۱۹۶۰ و اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰، با پیدایش دیدگاههای اصولی، ارتباط بین رشد اقتصادی و تأمین نیازهای اساسی جامعه تغییر یافت و مسائل و خط مشی‌های اجتماعی به عنوان عوامل مشخص و جداگانه‌ی توسعه تلقی شدند. در این دوره اهمّیت مسائل اجتماعی آشکار شد.

نه تنها صاحب‌نظران، مسائل اجتماعی را پیامدهای طبیعی مسائل اقتصادی ندانستند، بلکه، در ره‌یافتهای اجتماعی مشخص شد که این عوامل هویّت و ویژگی‌های خود را دارند.

در دهه‌ی ۱۹۸۰، ره‌یافتهای مربوط به توسعه، و روابط میان سیاست‌ها و خط مشی‌های اقتصادی و اجتماعی، تغییر چشمگیری کرد و ارزیابی درباره‌ی آنها و اهمیت مسائل اجتماعی و بازنگری روابط میان آنها با مسائل اقتصادی همراه بود.

به سخن دیگر، طیّ دهه‌ی اخیر این باور رواج یافت، که برخی از اهداف مهم اجتماعی به رغم کسادی اقتصادی با رشد کند تولید، قابل دست‌یابی هستند. همچنین، تجربه‌ی دهه‌های یاد شده نشان می‌دهد که هیچ خط‌مشی اجتماعی نمی‌تواند به هدفهای خود دست یابد، مگر آن‌که با نهایت دقت، عناصر لازم را در خود داشته باشد. خط مشی‌های مربوط به مشارکت، هماهنگی، تمرکززدانی، اولویّت‌های منطقه ای، نه تنها از خط مشی‌های اجتماعی جدا نیستند، بلکه مکمّل یکدیگرند. چنانچه اگر شیوه‌های رشد و تولید با تأمین نیازهای اساسی مرتبط باشند، خط مشی‌های اقتصادی به صورت بهترین ابزار خط‌مشی‌های اجتماعی یا بهترین وسیله‌ی اجرای آنها در می‌آیند.

مسائل اجتماعی در توسعه‌ی شهری، همانند دیگر نظم‌های توسعه (اقتصادی، کالبدی و...) اهمیت خود را داشته و بر ابعاد نظام شهری تأثیر می‌گذارند. توسعه‌ی اجتماعی در شهرسازی، به معنی شیوه‌ی سازمانی مواجه با نیازهای انسان است.

هدف‌های توسعه‌ی اجتماعی در توسعه‌ی شهری، در دراز مدت، دورنگر بوده و به شیوه ای نهادی با مسائل روبرو می‌شود و سرانجام به پایانی هدایت می‌شوند، که شرایط کیفی زندگی ساکنان را در ارتباط با ارزشهای جامعه، در حال و آینده، در نظر دارد. (ارجمندنیا، ۱۳۶۹: ۴۴)

۳-۱. مشکلات توسعه در ایران

عوامل متعددی در مشکلات و تنگناهای اقتصادی کشور دخیل‌اند، که از آن جمله می‌توان بـه مـوارد زیـر اشاره کرد:

۱. عدم تحرّک و پویایی در تولید و سرانه، که این مسأله به‌دنبال خود کاهش نسبی تشکیل سرمایه، افـزایش بیکاری، فقر گسترده، تعمیق عقب‌ماندگی بافت تولید و تداوم رکود اقتصادی را به‌دنبال خواهد داشت.

۲. مشکل اقتصادی دیگر، ساختار نامناسب تولید است که موجب افزایش بیش از حدّ خدمات و دوگانگی شدید ساختار اجتماعی در بخش‌های سنّتی و نوین می‌شود.

۳. مشکل سوم، عدم تناسب سیاست‌های پولی و بانکی که باعث رشد نقدینگی و تورم می‌شود.

۴. مشکل چهارم، حدود و نحوه‌ی عمل دستگاه اداری-اجرایی است (دولـت)، ساختار دولت در خـدمات رسانی به مردم درست نیست(عظیمی، ۱۳۷۲: ۸۸).

از دیگر مشکلات موجود در توسعه نیافتگی، توزیع نامناسب ثروت در کل کشور است. چنانچـه تهـران در طول دوره‌های مختلف سهم عمده‌ای از سرمایه‌گذاریها را به خود اختصاص داده و از این طریق مـانع رشـد در قسمتهای دیگر کشور شده است(مشهدی‌زاده دهاقـانی، ۱۳۷۴: ۱۶۳) برای مثال در سال ۱۳۷۵ حدود ۲۰٪ شاغلان در استان تهران بوده‌اند(جوان، ۱۳۸۳: ۲۴۶)

توجه به توسعه باید بر اساس روشهای اصولی شکل بگیرد، زیرا توسعه با کالاهـای مـادّی آغـاز نمـی‌شـود، بلکه با آدمیان و تربیت آنها، با سازمان و با انضباط آغاز می‌شود. بدون این سه، همه منابع پنهان و دست نخـورده و بدون مصرف باقی می‌مانند.

جوامع پررونقی هستند که ثروت طبیعی آنها بسیار کم است و با وجـود ایـن‌کـه در جنـگ جهـانی آسـیب پذیرفته بودند، توانستند یک معجزه‌ی اقتصادی پدید آورند. اگر بپـذیریم کـه علـل اصـلی فقـر، نارسـایی‌هـای موجود در این سه حوزه است، پس ریشه کن کردن فقر اساساً به رفع این نارسایی‌ها بستگی دارد، چـون توسـعه وارداتی نیست. یک فراگرد تکاملی و تدریجی با دقّت و ظرفیّت فـراوان اسـت. (۱۳: ۱۳۱) بـه همـین خـاطر در کشور ما برای رسیدن به توسعه نیاز به برنامه‌های بلند مدّت می‌باشـد و ایـن کـار عمـلاً در کوتـاه‌مـدت ممکـن نیست.

۲. مهاجرت

برای مهاجرت تعریف یگانه‌ای در دست نیست، زیرا راه یکسانی برای اندازه گیری وجود ندارد و هنوز هم تعریفی از مهاجرت، که فارغ از فرآیند اندازه‌گیری باشد، در توافق عمومی قرار نگرفته است. ولی به طور کلی مفهوم مهاجرت، در برگیرنده چهاربعد ویژه است: تغییر در مکان، اقامتگاه، زمان و فعالیّت (اوبری، ۱۳۷۰: ۴۱) مهاجرت به معنی اعمّ کلمه، عبارت است از: « ترک سرزمین اصلی و ساکن شدن در سرزمین دیگر به طور دائم و یا موقت»، ولی به معنی اخصّ کلمه، که مهمترین نوع تحرّک جمعیّت می‌باشد، عبارت است از: «جابجا شدن دسته جمعی یا انفرادی انسانها به طور دائم بدون قصد بازگشت به مبدأ»(جوان، ۱۳۸۳: ۳۱۵)

در تعریف دیگر، مهاجرت، تغییر مکان دائمی یا موقت تلقی می‌شود و هیچ گونه محدودیّتی به مسافت یا اختیاری و اجباری بودن ماهیّت این عمل و هیچ گونه تفاوتی بین مهاجرت دائمی و خارجی وجود ندارد(معصومی اشکوری، ۱۳۷۶: ۶۰)

۱-۲. علل مهاجرت در ایران

مهاجرتهای داخلی ایران، نتیجه‌ی توزیع نابرابر جمعیّت در ارتباط با امکانات طبیعی، عدم توزیع مناسب اعتبارات عمرانی و سرمایه‌گذاریهای ملی در بهره‌برداری از منابع طبیعی است، که پیامدهای آن در سطح کشور به صورت عدم تعادلهای منطقه‌ای، تفاوت امکانات شغلی و سایر امکانات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، خودنمایی می کند. نتیجه‌ی چنین روندی آن است که برخی از مناطق جغرافیایی ناگریز نیروی کار اضافی بالفعل خود را به مناطق دیگر که تقاضا برای نیروی کار اضافی وجود دارد، انتقال دهند. (جوان، ۱۳۸۳ : ۳۶۱)

محققین، علل حاشیه نشینی و به طور کلّی مهاجرت را در چارچوب الگوی رانش- کشش بررسی کرده و به توصیف عواملی نظیر فقر و نبود امکانات رفاهی -بهداشتی و از همه مهمتر کار و درآمد زیادتر در شهر پرداخته‌اند. (معصومی‌اشکوری، ۱۳۷۶: ۲۵۳)

در ایران سه مرحله مهاجرت را می‌توان تشخیص داد: اوّلی طی سالهای ۴۲-۱۳۰۰، دومی طیّ سالهای ۵۷-۱۳۴۲ و سومی از سال ۱۳۵۷ به بعد است.

در مرحله‌ی اوّل، یعنی ۱۳۴۲-۱۳۰۰، مهاجرت روندی کُند داشته و تنها به چند شهر بزرگ محدود می‌شد، در این دوره شهرها توانایی جذب مهاجر را نداشته و امکانات اقتصادی-اجتماعی شان محدود بود. در مرحله‌ی

دوم، یعنی ۵۷–۱۳۴۲، با انجام اصلاحات ارضی در روستاها و فراهم شدن زمینه‌ی کار در شهر، موجب رشد سریع مهاجرت در کشور شد. در مرحله‌ی سوم، از سال ۱۳۵۷ به بعد، بعضی مسائل مانند امتیازات بی حدّ و حصر در جامعه‌ی شهری برای افراد کم درآمد و محروم، موجب شتاب گرفتن مهاجرت در این دوره شد. (مشهدی زاده دهاقانی، ۱۳۷۴: ۱۰۷)

۳. تأثیر متقابل شهرنشینی، توسعه و مهاجرت

در واقع شهرنشینی معاصر کشورهای در حال توسعه، به هیچ روی ادامه‌ی شهرنشینی تاریخی این کشورها نیست، بلکه پویشی است که از خارج تحمیل شده و پدیده‌ای برونزادی است که محصول روابط اقتصادی و اجتماعی این کشورها با کشورهای توسعه یافته‌ی صنعتی است. عدم همزمانی سطح صنعتی شدن با سطح شهرنشینی معاصر از تفاوت شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته است و شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه بر پایه‌ی رشد خدمات شکل گرفته است(فیندلی، ۱۳۷۲: ۴۰).

در کشورهای در حال توسعه، اگر چه از نظر میزان شهرنشینی قابل مقایسه با کشورهای پیشرفته هستند، ولی سهم صنعت در جذب نیروی کار در کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کشورهای پیشرفته کمتر است. این موضوع باعث می‌شود که با وجود فراوانی نیروی کار در کشورهای در حال توسعه، نیروی کار ذخیره‌ی آنها از جریان تولید منحرف شود. دیگر این که در کشورهای توسعه یافته، شهرنشینی با رشد کشاورزی و صنعتی همگام است، یعنی شهرنشینی در اثر رشد اقتصادی به‌وجود آمده است و باعث شده که رشد تسریع گردد، ولی در کشورهای در حال توسعه، شهرنشینی در اثر دفع جمعیّت از مناطق روستایی به طرف شهرها بوده است که در نتیجه‌ی کنترل مرگ و میر، افزایش طبیعی جمعیّت روستاها و عدم قدرت بخش کشاورزی در جذب نیروی انسانی صورت گرفته و موجب تسریع مهاجرت روستایی به شهر شده است. بنابراین، رشد شهر بیش از آن که موجب بهره وری فزاینده و بالا رفتن معیارهای زندگی شود، مشکلات جذب نیروی کار و شیوه‌ی بهره‌برداری مؤثّر از آن را وخیم تر کرده است. (اوبری، ۱۳۷۰: ۳۱)

مهمترین تأثیر مهاجرت در جهان درحال توسعه، مانند جهان توسعه یافته، در شهرهای بزرگ متمرکز شده است و میزان رشد جمعیّت در این شهرها برخی مواقع تا چهار برابر سطح ملّی است. در مورد اثرات سوء و یا مفید مهاجرت بر توسعه‌ی منطقه‌ای و ملّی باید به شرایط موجود دقّت کرد، مثلاً اگر مهاجرت از جایی که

دارای نیروی مازاد کشاورزی است به جایی انجام شود که دارای منابع بالقوّه قوی و کمبود نیروی کار باشد، مفید است. ولی اگر مهاجرت موجب انباشتگی جمعیّت در یک مرکز شهری شود و از طرف دیگر جمعیّت و نیروی کار روستاها تخلیه شود، این مهاجرت هم در نقطه‌ی مبدأ و هم در مقصد، موجب ضرر و زیان شده و باعث بر هم خوردن تعادل منطقه‌ای خواهد شد. (لهسائی‌زاده، ۱۳۶۸: ۲۵۰)

۱-۳. تأثیر متقابل شهرنشینی، توسعه و مهاجرت در ایران:

در کشور ما ایران، در اثر افزایش مهاجرت، بسیار از روستاها خالی از سکنه شده و بسیاری دیگر قسمت عمده‌ای از جمعیّت خود را از دست داده‌اند. در طول همین سالها مهاجرت جمعیّت به نقاط شهری، پیدایش شهرها و شهرکها را در نقاطی نه چندان مستعد، باعث شده است. اعتدال جمعیّت بین شهرهای بزرگ و کوچک کشور بر هم ریخته و بین تعداد جمعیّت نواحی شهری و روستایی فاصله افتاده و برخی از مناطق کشور با برخی دیگر تفاوت پیدا کرده است. در این زمینه نه تنها اعتدال بین نواحی مختلف شهری و روستایی برهم ریخته، بلکه منابع محیطی نیز در پاسخگویی به نیاز جمعیّت از دیدگاه اجتماعی، اقتصادی و طبیعی کارآمد نبوده است. (شیعه، ۱۳۸۰: ۱۳)

با جذب بخش اعظم درآمد ملّی توسط شهری مثل تهران، روزبه‌روز بر فاصله‌ی میان نقاط شهری با روستاها افزوده شد. تمرکز بیشتر، جمعیّت زیادتری را جذب کرده و نیاز به منابع وتسهیلات بیشتر و تأمین و ایجاد این نیازها دوباره به تمرکز بی رویّه دامن زد. این موضوع، علاوه بر دامن زدن به بحرانهای شهری، باعث ایجاد عدم تعادل منطقه‌ای شد. اگر چه به قول ژان بودن که در حدود ۴۰۰ سال پیش می گوید : «هیچ ثروت و هیچ قدرتی بالاتر از جمعیّت نیست» (زنجانی، ۱۳۷۱: ۱۲۰) ولی اگر از جمعیّت استفاده‌ی بهینه صورت نگیرد، مشکل‌آفرین می‌شود. برای مثال ناهماهنگ بودن تمرکز جمعیّت، تمرکز صنایع و سرمایه‌ها در تهران، با آهنگ کلی توسعه‌ی کشور، علاوه بر این‌که تهران را به‌صورت یک ایستگاه انتقال ثروت به خارج در آورده، فرصتهای پیشرفت و توسعه را نیز از سایر نقاط گرفته است. به قولی، رشد بی رویّه و لگام گسیخته‌ی تهران و شهرهای بزرگ، مصیب‌بارترین آثار را در چارچوب برنامه‌ریزی ملّی و محلی برای کشور فراهم آورده و خواهد آورد. تمرکز جمعیّت در یک نقطه یا چند نقطه، برنامه‌ریزی آمایش سرزمین را دستخوش نابسامانی کرده، پیش بینی‌ها را تغییر داده و عدم تعادل در موازنه‌ی توزیع جمعیّت در سطح کشور را سبب شده است.

این ناهماهنگی در نقاط پرتراکم کشور منجر به فشار فوق‌العاده زیادی روی زیربنا و مجموعه‌ی زیست محیطی این نقاط شده است.(مشهدی زاده دهاقانی، ۱۳۷۴: ۱۸۳)

٤. برنامه‌ریزی منطقه‌ای به عنوان یک راه‌حل:

احساس نیاز به انجام مطالعات برای برنامه‌ریزی فضایی و آمایشی و به‌دنبال آن انجام برنامه‌ریزی منطقه‌ای به مثابه هدف نهایی طرحهای فضایی و آمایشی هنگامی بروز می کند که به‌قولی «تورم توسعه» و یا «تراکم رشد» در برخی نقاط در پهنه‌ی سرزمین ملّی، سبب ساز بروز ناتعادلیها و ناهماهنگی‌های ناهنجار گردیده و دو نتیجه‌ی نامطلوب اساسی به‌دنبال دارد: یکی سیل مهاجرتهای بی رویّه‌ی جمعیّت شهری و روستایی از سایر نقاط کشور به سمت «غدّه رشد» و دیگری عقب‌ماندگی نقاط دیگر مملکت.(معصومی اشکوری، ۱۳۷۶: ۱۷)

یکی از سیاست‌های انتخابی در جهت تعدیل نابرابری‌های شهری و ناحیه‌ای، سیاست محدود ساختن رشد شهرهای بزرگ و فراهم کردن زمینه‌های مساعد اقتصادی در شهرهای میانی است. اساس کار در چنین برنامه‌هایی، سیاست مکان گزینی بخشهای صنعتی است، که باعث استقرار طرحهای جدید صنعتی در حوزه‌های پیرامون شهرها می‌شود. در این سیاست انگیزه‌های مختلفی برای ایجاد جاذبه‌های صنعتی در مکانهای جدید به‌کار می‌رود. (شکویی، ۱۳۷۴: ۴۱۱) که یکی از آنها نیروی کار ارزان در مکانهای جدید می‌تواند باشد.

تفاوتهای ناحیه‌ای می‌توانند جنبه‌های مختلفی داشته باشند. برخی نواحی از نظر صنعتی عقب‌مانده‌اند، ولی ممکن است از نظر بهداشت و مسکن وضعیّت نسبتاً مناسبی داشته باشند یا بر عکس. از این رو به نظر می‌رسد برای تشخیص درجه‌ی توسعه یافتگی و تفاوتهای ناحیه‌ای، لازم است که از شاخصهای ترکیبی که در مجموع بتوانند سطح زندگی و رفاه مادّی و فرهنگی مردم هر ناحیه را نشان دهند، استفاده شود(حسین‌زاده دلیر، ۱۳۸۰: ۲۱۶) به همین خاطر در قسمت بعد شاخصهای مختلف توسعه در استانهای ایران در ارتباط با مهاجرت، شهرنشینی و توسعه بررسی می‌شود.

جدول شماره ۱؛ میزان خدمت در استانهای کشور

	جمعیّت	خالص مهاجرت	میزان شهرنشینی	میزان باسوادی	میزان اشتغال	خانوار دارای آب لوله‌کشی	درصد مصرف برق	خطوط تلفن به ازای هر ۱۰۰۰ نفر	شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر	کارگاههای صنعتی ۱۰ نفر کارکن به بالا	سهم استان در محصول ناخالص داخلی
آ.ش	۳۳۷۸۲۴۷	-۸۵۴۵۹	۶۶٫۲	۷۵٫۴	۹۳٫۳	۸۱٫۶	۳٫۳	۲۲۹	۶٫۲۸	۶۰۹	۴٫۰۵
آ.غ	۲۷۷۴۸۰۳	۹۴۹۷	۵۸٫۹	۶۹	۹۰٫۲	۷۸٫۱	۲٫۱	۱۴۷	۴٫۲۸	۴۹۳	۲٫۶
اردبیل	۱۲۰۴۴۱۰	-۳۸۷۵۰	۵۵٫۸	۷۳٫۳	۸۹٫۵	۷۱٫۵	۰٫۷	۱۸۸	۱٫۸۵	۸۲	۱٫۰۳
اصفهان	۴۳۱۶۳۴۷	۹۰۷۸۹	۸۱٫۹	۸۴٫۷	۸۹٫۱	۹۶٫۶	۱۰٫۴	۲۴۴	۷٫۱۳	۱۷۸۵	۶٫۵
ایلام	۵۵۰۹۷۰	-۴۵۹۳	۵۹٫۵	۷۶٫۷	۸۵	۹۲٫۲	۰٫۵	۱۴۲	۰٫۶۴	۲۰	۰٫۶
بوشهر	۷۹۶۶۳۹	-۳۷۴۲۳	۵۵٫۱	۸۰٫۶	۸۹٫۷	۸۴٫۷	۱٫۵	۱۸۹	۱٫۰۷	۳۸	۱
تهران	۱۱۶۸۹۳۰۱	۴۲۹۸۹۶	۸۵٫۶	۸۸	۸۷٫۹	۹۷٫۹	۲۰٫۷	۳۰۸	۱۸٫۳۹	۲۵۰۴	۲۴٫۷
چهارمحال	۷۹۴۰۷۷	-۳۲۰۰۳	۵۴٫۹	۷۷	۸۴	۹۲٫۹	۰٫۷	۱۸۰	۱٫۲۷	۵۵	۰٫۶
خراسان	۶۰۳۳۷۰۸	۹۳۵۷	۶۳٫۱	۸۰٫۹	۸۹٫۳	۸۶٫۹	۸٫۴	۱۹۰	۱۰٫۴۶	۱۰۳۷	۶٫۳
خوزستان	۴۵۰۶۸۱۶	۱۰۲۶۷۲	۶۴٫۴	۷۶٫۹	۸۲٫۹	۸۹٫۵	۱۱٫۱	۱۲۶	۵٫۰۱	۲۱۴	۱۳٫۷۶
زنجان	۹۳۶۹۸۵	-۳۲۸۸۱	۵۲٫۵	۷۴٫۸	۹۰٫۹	۸۶٫۲	۱٫۲	۱۵۴	۱٫۵	۱۷۲	۰٫۹
سمنان	۵۶۳۹۵۹	۱۹۳۱۶	۷۵٫۴	۸۴٫۵	۸۹٫۶	۹۷٫۴	۱٫۵	۲۳۷	۰٫۹	۱۷۵	۰٫۷۳
س. و بلوچستان	۲۰۸۶۱۷۰	-۵۸۸۷	۴۹٫۶	۵۷٫۳	۷۸٫۴	۵۸٫۹	۱٫۵	۹۰	۲٫۱۶	۱۰۰	۱٫۱
فارس	۴۱۳۵۲۵۱	-۶۰۳۷	۶۰٫۷	۸۱٫۸	۸۵	۹۸٫۴	۵٫۶	۱۷۰	۶٫۱۱	۲۶۷	۴٫۲۹
قم	۹۷۱۲۸۰	۶۶۸۳۱	۹۲٫۴	۸۱٫۹	۹۱٫۱	۹۴٫۵	۱٫۳	۲۲۰	۱٫۳۴	۲۲۹	۱٫۰۴
کردستان	۱۴۹۲۰۰۷	-۲۷۰۰۶	۵۸٫۳	۶۸٫۳	۷۸٫۵	۸۱٫۹	۱	۱۲۶	۲٫۲۵	۹۲	۰٫۹۷
کرمان	۲۲۱۵۳۷۶	۴۰۴۴	۶۱٫۴	۷۸٫۲	۸۶٫۸	۸۶٫۸	۴٫۱	۱۶۰	۳٫۱۱	۱۱۴	۳٫۲۵
کرمانشاه	۱۹۶۲۱۷۶	-۴۲۸۲۸	۶۴٫۵	۷۶٫۶	۸۳٫۵	۸۴٫۹	۱٫۴	۱۴۷	۲٫۶۷	۱۳۷	۱٫۳۸
کهکلویه	۶۲۷۵۱۷	-۵۰۱۳	۵۰٫۷	۷۵٫۵	۸۴٫۴	۷۴	۰٫۵	۱۰۶	۰٫۶۷	۳۴	۵٫۰۳
گیلان	۲۳۱۰۰۳۳	-۱۵۷۰۸	۵۵٫۱	۷۹٫۲	۸۶٫۹	۵۲	۲٫۳	۱۷۷	۴٫۳۳	۵۴۰	۲٫۵۳
لرستان	۱۶۷۱۲۰۶	-۵۷۱۹۶	۵۷٫۲	۷۴٫۸	۸۲٫۱	۸۴٫۲	۱٫۵	۱۱۰	۲٫۱۲	۱۱۹	۱٫۳۵
مازندران	۲۷۴۲۸۸۵	-۲۴۴۶۹	۵۱	۷۹٫۵	۹۱٫۷	۸۲٫۵	۳٫۱	۲۴۱	۴٫۴۴	۳۴۳	۳٫۵
مرکزی	۱۳۰۰۷۷۸	-۴۷۵۳	۶۵٫۲	۷۹٫۳	۹۱٫۶	۹۱٫۲	۴٫۴	۱۸۸	۲٫۱۵	۵۲۰	۲٫۳۱
هرمزگان	۱۲۳۵۸۱۶	-۲۷۱۷	۴۲٫۴	۷۲٫۸	۸۵٫۴	۷۸٫۸	۴	۱۵۰	۱٫۴۳	۷۱	۱٫۶۸
همدان	۱۷۱۸۶۲۷	-۴۲۹۷۴	۵۵٫۷	۷۷٫۳	۸۴٫۶	۸۲٫۸	۱٫۷	۱۵۹	۲٫۷۹	۱۹۸	۱٫۴
یزد	۹۰۲۵۵۰	۱۶۲۰۰	۸۱	۸۳٫۶	۸۶٫۳	۹۴٫۶	۲٫۴	۱۷۸	۱٫۶۱	۳۵۳	۱٫۱۳
میانگین	۲۴۱۹۹۵۶	۱۱۰۸۸۰٫۹۶	۶۲٫۲۶	۷۷٫۲۳	۸۶٫۸۳	۸۴٫۶۵	۳٫۷۳	۱۷۵٫۲۳	۳٫۶۹	۳۹۶٫۱۹	۳٫۶۱
انحراف معیار	۲۳۶۱۹۷۷	۹۵۲۴۶٫۵۵	۱۲٫۰۲	۶٫۱۵۱	۳٫۹۴	۱۱٫۲۹۱	۴٫۵۰۹	۴۹٫۶۵	۳٫۸۱	۵۷۳٫۴۰۲	۵٫۱۴۵۹۹

مآخذ: خلاصه آمارهای پایه استانها، مرکز آمار ایران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۸۱ و محاسبات نگارندگان

جدول شماره ۲ ؛شاخصهای استاندارد شده *(z) میزان خدمات در استانهای کشور

	جمعیّت	خالص مهاجرت	میزان شهرنشینی	میزان باسوادی	میزان اشتغال	خانوار دارای آب لوله کشی	درصد مصرف برق	خطوط تلفن به ازای هر ۱۰۰۰ نفر	شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر	کارگاههای صنعتی ۱۰ نفر کارکن به بالا	سهم استان در محصول ناخالص داخلی	جمع شاخصهای استاندارد شده (Z)
آ.ش	۰٫۴۱	-۱٫۰۱	۰٫۳۳	-۰٫۳۰	۱٫۶۴	-۰٫۲۷	-۰٫۰۹	۱٫۰۸	۰٫۶۸	۰٫۳۷	۰٫۰۹	۳٫۵۳
آ.غ	۰٫۱۵	-۰٫۰۱	-۰٫۲۸	-۱٫۳۴	۰٫۸۶	-۰٫۵۸	-۰٫۳۶	-۰٫۵۷	۰٫۱۵	۰٫۱۷	-۰٫۲۰	-۲٫۱۴
اردبیل	-۰٫۵۱	-۰٫۵۲	۰٫۵۴	-۰٫۶۴	۰٫۶۸	-۱٫۱۶	-۰٫۶۷	۰٫۲۶	-۰٫۴۸	-۰٫۵۵	-۰٫۵۰	-۳٫۶۱
اصفهان	۰٫۸۰	۰٫۸۴	۱٫۶۳	۱٫۲۲	۰٫۵۸	۱٫۰۶	۱٫۴۸	۱٫۳۹	۰٫۹۰	۲٫۴۲	۰٫۵۶	۱۱٫۲۳
ایلام	-۰٫۷۹	-۰٫۱۶	-۰٫۲۳	-۰٫۰۹	-۰٫۴۷	۰٫۶۷	-۰٫۷۲	-۰٫۶۷	-۰٫۸۰	-۰٫۶۶	-۰٫۵۸	-۳٫۵۴
بوشهر	-۰٫۶۹	-۰٫۵۱	۰٫۶۰	۰٫۵۵	۰٫۷۳	۰٫۰۰	-۰٫۴۹	۰٫۲۸	-۰٫۶۹	-۰٫۶۲	-۰٫۵۱	-۱٫۳۵
تهران	۳٫۹۲	۴٫۴۰	۱٫۹۴	۱٫۷۵	۰٫۲۷	۱٫۱۷	۳٫۷۶	۲٫۶۷	۳٫۸۶	۳٫۶۸	۴٫۱۰	۲۳٫۲۱
چهارمحال	-۰٫۶۹	-۰٫۴۵	-۰٫۶۱	-۰٫۰۴	-۰٫۷۲	۰٫۷۳	-۰٫۶۷	۰٫۱۰	-۰٫۶۴	-۰٫۶۰	-۰٫۵۸	-۳٫۰۳
خراسان	۱٫۵۳	-۰٫۰۲	۰٫۰۷	۰٫۶۰	۰٫۶۳	۰٫۲۰	۱٫۰۴	۰٫۳۰	۱٫۷۸	۱٫۱۲	۰٫۵۲	۶٫۲۴
خوزستان	۰٫۸۸	۰٫۹۶	۰٫۱۹	۰٫۰۵	-۱٫۰۰	۰٫۴۳	۱٫۶۴	-۰٫۹۹	۰٫۳۵	-۰٫۳۲	۱٫۹۷	۲٫۲۲
زنجان	-۰٫۶۳	-۰٫۴۶	۰٫۸۱	-۰٫۳۹	۱٫۰۳	۰٫۱۴	-۰٫۵۶	-۰٫۴۳	-۰٫۵۸	-۰٫۳۹	-۰٫۵۳	-۲٫۵۲
سمنان	-۰٫۷۹	۰٫۰۹	۱٫۰۹	۱٫۱۸	۰٫۷۰	۰٫۱۳	-۰٫۴۹	۱٫۲۴	-۰٫۷۳	-۰٫۳۹	-۰٫۵۶	۳٫۱۸
س.وبلوچستان	-۰٫۱۴	-۰٫۱۸	-۱٫۰۵	-۳٫۲۴	-۲٫۱۴	-۲٫۲۸	-۰٫۴۹	-۱٫۷۲	-۰٫۴۰	-۰٫۵۲	-۰٫۴۹	-۱۲٫۳۳
فارس	۰٫۷۳	-۰٫۱۸	-۰٫۱۳	۰٫۷۴	-۰٫۴۷	۱٫۲۲	۰٫۴۲	-۰٫۱۱	۰٫۶۳	-۰٫۲۳	۰٫۱۳	۲٫۲۲
قم	-۰٫۶۱	۰٫۵۹	۲٫۵۱	۰٫۷۶	۱٫۰۸	۰٫۸۷	-۰٫۵۴	۰٫۹۰	-۰٫۶۲	-۰٫۲۹	-۰٫۵۰	۴٫۱۸
کردستان	-۰٫۳۹	-۰٫۴۰	-۰٫۳۳	-۱٫۴۵	-۲٫۱۲	-۰٫۲۴	-۰٫۶۰	-۰٫۹۹	۰٫۳۸	-۰٫۵۳	-۰٫۵۱	-۷٫۱۶
کرمان	-۰٫۰۹	-۰٫۰۷	-۰٫۰۷	۰٫۱۶	-۰٫۰۱	۰٫۱۹	۰٫۰۸	-۰٫۳۱	-۰٫۱۵	-۰٫۴۹	-۰٫۷	-۰٫۶۷
کرمانشاه	-۰٫۱۹	-۰٫۵۶	۰٫۱۹	-۰٫۱۰	-۰٫۸۵	۰٫۰۲	۰٫۵۲	-۰٫۵۷	-۰٫۲۷	-۰٫۴۵	-۰٫۴۳	-۲٫۹۸
کهکلویه	-۰٫۷۶	-۰٫۱۷	-۰٫۹۶	-۰٫۲۸	-۰٫۶۲	-۰٫۹۴	-۰٫۷۲	-۱٫۳۹	-۰٫۷۹	-۰٫۶۳	۰٫۲۸	-۶٫۰۶
گیلان	-۰٫۰۵	-۰٫۲۸	۰٫۶۰	۰٫۳۲	۰٫۰۲	-۲٫۸۹	-۰٫۳۲	۰٫۰۴	۰٫۱۷	۰٫۲۵	-۰٫۲۱	-۳٫۲۲
لرستان	-۰٫۳۲	-۰٫۷۱	-۰٫۴۲	-۰٫۳۹	-۱٫۲۰	-۰٫۰۴	-۰٫۴۹	-۱٫۳۱	-۰٫۴۱	-۰٫۴۸	-۰٫۴۴	-۵٫۲۰
مازندران	۰٫۱۴	-۰٫۳۷	-۰٫۹۴	۰٫۳۷	۱٫۲۴	-۰٫۱۹	-۰٫۱۴	۱٫۳۲	۰٫۲۰	-۰٫۰۹	-۰٫۲	۱٫۷۵
مرکزی	-۰٫۴۷	-۰٫۱۶	۰٫۲۴	۰٫۳۴	۱٫۲۱	۰٫۵۸	۰٫۱۵	۰٫۲۶	-۰٫۴۰	۰٫۲۲	-۰٫۲۵	۲٫۳۴
هرمزگان	-۰٫۵۰	-۰٫۱۴	-۱٫۶۵	-۰٫۷۲	-۰٫۳۶	-۰٫۵۲	۰٫۰۶	-۰٫۵۱	-۰٫۵۹	-۰٫۵۷	-۰٫۳۷	-۵٫۲۴
همدان	-۰٫۳۰	-۰٫۵۷	-۰٫۵۵	۰٫۰۱	-۰٫۵۷	-۰٫۱۶	-۰٫۴۵	-۰٫۳۳	-۰٫۲۴	-۰٫۳۵	-۰٫۴۳	-۳٫۰۵
یزد	-۰٫۶۴	۰٫۰۶	۱٫۵۶	۱٫۰۴	-۰٫۱۴	۰٫۸۸	-۰٫۲۹	۰٫۰۶	-۰٫۵۵	۰٫۰۸	-۰٫۴۸	۲٫۰۰

مأخذ : محاسبات نگارندگان

* نمره z یک نمره استاندارد بنیادی است و عبارتست از حاصل تقسیم انحراف نمره خام از میانگین بر انحراف معیار. در نتیجه یک نمره بر اساس فاصله آن با مانگین و بر حسب واحد انحراف گزارش می شود.(۵/ص۱۱۷) $Z=x-x/\sigma$ (دلاور، ۱۳۸۰، ص ۱۱۷)

جدول شماره ۳؛ رتبه بندی و مقایسه استانها از نظر میزان توسعه شاخصهای استاندارد شده

استانهای با توسعه بالا	میزان توسعه (شاخصهای استاندارد شدهz)
تهران	۲۳,۲۱
اصفهان	۱۱,۲۳
خراسان	۶,۲۴
قم	۴,۱۸
آ.ش	۳,۵۳
سمنان	۳,۱۸
مرکزی	۳,۳۴
فارس	۲,۲۲
خوزستان	۲,۲۲
استانهای با توسعه متوسط	میزان توسعه (شاخصهای استاندارد شده z)
یزد	۲,۰۰
مازندران	۱,۷۵
کرمان	-۰,۶۷
بوشهر	-۱,۳۵
آ.غ	-۲,۱۴
زنجان	-۲,۵۲
کرمانشاه	-۲,۹۸
چهارمحال	-۳,۰۳
همدان	-۳,۰۵

استانهای با مهاجرت پایین	خالص مهاجرت (شاخصهای استاندارد شدهz)
تهران	۴,۴
خوزستان	۰,۹۶
اصفهان	۰,۸۴
یزد	۰,۵۹
سمنان	۰,۰۹
آ.ش	۰,۰۶
مرکزی	-۰,۰۱
خوزستان	-۰,۰۲
کرمانشاه	-۰,۰۷
استانهای با مهاجرت متوسط	خالص مهاجرت (شاخصهای استاندارد شده z)
هرمزگان	-۰,۱۴
ایلام	-۰,۱۶
مرکزی	-۰,۱۶
کهکیلویه	-۰,۱۷
س.و بلوچستان	-۰,۱۸
فارس	-۰,۱۸
گیلان	-۰,۲۸
مازندران	-۰,۳۷
کردستان	-۰,۴

استانهای با شهرنشینی بالا	میزان شهرنشینی (شاخصهای استاندارد شده Z)
قم	۲,۵۱
تهران	۱,۹۴
اصفهان	۱,۶۳
یزد	۱,۵۵
سمنان	۱,۰۹
آ.ش	۰,۳۳
مرکزی	۰,۲۴
خوزستان	۰,۱۹
کرمانشاه	۰,۱۹
استانهای با شهرنشینی متوسط	میزان شهرنشینی (شاخصهای استاندارد شدهz)
خراسان	۰,۰۷
کرمان	-۰,۰۷
فارس	-۰,۱۳
ایلام	-۰,۲۳
آ.غ	-۰,۲۸
کردستان	-۰,۳۳
لرستان	-۰,۴۲
اردبیل	-۰,۵۴
همدان	-۰,۵۵

استانهای با توسعه پایین	میزان توسعه (شاخصهای استاندارد شده z)
گیلان	-۳,۲۲
ایلام	-۳,۵۴
اردبیل	-۳,۶۱
لرستان	-۵,۲۰
هرمزگان	-۵,۲۴
کهکیلویه	-۶,۰۶
کردستان	-۴,۱۶
س و بلوچستان	-۱۲,۳۲

استانهای مهاجرت متوسط	خالص مهاجرت (شاخصهای استاندارد شده z)
چهارمحال	-۰,۴۵
زنجان	-۰,۴۶
بوشهر	-۰,۵۱
اردبیل	-۰,۵۲
کرمانشاه	-۰,۵۶
همدان	-۰,۵۷
لرستان	-۰,۷۱
آ.ش	-۱,۰۱

استانهای با شهرنشینی پایین	میزان شهرنشینی (شاخصهای استاندارد شدهz)
بوشهر	-۰,۶
گیلان	-۰,۶
چهارمحال	-۰,۶۱
زنجان	-۰,۸۱
مازندران	-۰,۹۴
کهکیلویه	-۰,۹۶
س و بلوچستان	-۱,۰۵
هرمزگان	-۱,۶۵

مأخذ: محاسبات نگارندگان

جدول شماره ۵؛ جدول فرمول همبستگی رتبه ای اسپیرمن

	رتبه خدمات	رتبه مهاجرت خالص	D	d۲	رتبه خدمات	رتبه میزان شهرنشینی	d	D^2	رتبه مهاجرت خالص	رتبه میزان شهرنشینی	D	d۸۲
آ.ش	۵	۲۶	-۲۱	۴۴۱	۵	۶	-۱	۱	۲۶	۶	۲۰	۴۰۰
آ.غ	۱۴	۷	۷	۴۹	۱۴	۱۴	۰	۰	۷	۱۴	۵	۴۹
اردبیل	۲۱	۲۲	-۱	۱	۲۱	۱۷	۴	۱۶	۲۲	۱۷	۵	۲۵
اصفهان	۲	۳	-۱	۱	۲	۳	-۱	۱	۳	۳	۰	۰
ایلام	۲۰	۱۱	۹	۸۱	۲۰	۱۳	۷	۴۹	۱۱	۱۳	-۲	۴
بوشهر	۱۳	۲۱	-۸	۶۴	۱۳	۱۹	-۶	۳۶	۲۱	۱۹	۲	۴
تهران	۱	۱	۰	۰	۱	۲	-۱	۱	۱	۲	-۱	۱
چهارمحال	۱۷	۱۹	-۲	۴	۱۷	۲۱	-۲	۴	۱۹	۲۱	-۲	۴
خراسان	۳	۸	-۵	۲۵	۳	۱۰	-۷	۴۹	۸	۱۰	-۲	۴
خوزستان	۹	۲	۷	۴۹	۹	۸	۱	۱	۲	۸	-۶	۳۶
زنجان	۱۵	۲۰	-۵	۲۵	۱۵	۲۲	-۷	۴۹	۲۰	۲۲	-۲	۴
سمنان	۶	۵	۱	۱	۶	۵	۱	۱	۵	۵	۰	۰
س.وبلوچستان	۲۶	۱۴	۱۲	۱۴۴	۲۶	۲۵	۱	۱	۱۴	۲۵	-۹	۸۱
فارس	۸	۱۵	-۷	۴۹	۸	۱۲	-۴	۱۶	۱۵	۱۲	۳	۹
قم	۴	۴	۰	۹	۴	۱	۳	۹	۴	۱	۳	۹
کردستان	۲۵	۱۸	۷	۴۹	۲۵	۱۵	۱۰	۱۰	۱۸	۱۵	۳	۹
کرمان	۱۲	۹	۳	۹	۱۲	۱۱	۱	۱	۹	۱۱	-۲	۴
کرمانشاه	۱۶	۲۳	-۷	۴۹	۱۶	۹	۷	۴۹	۲۳	۹	۱۴	۱۹۶
کهکیلویه	۲۴	۱۳	۱۱	۱۲۱	۲۴	۲۴	۰	۰	۱۳	۲۴	-۱۱	۱۲۱
گیلان	۱۹	۱۶	۳	۹	۱۹	۲۰	-۱	۱	۱۶	۲۰	-۴	۱۶
لرستان	۲۲	۲۵	-۳	۹	۲۲	۱۶	۶	۳۶	۲۵	۱۶	۹	۸۱
مازندران	۱۱	۱۷	-۶	۳۶	۱۱	۲۳	-۱۲	۱۴۴	۱۷	۲۳	-۶	۳۶
مرکزی	۷	۱۲	-۵	۲۵	۷	۷	۰	۰	۱۲	۷	۵	۲۵
هرمزگان	۲۳	۱۰	۱۳	۱۶۹	۲۳	۲۶	-۳	۹	۱۰	۲۶	-۱۶	۲۵۶
همدان	۱۸	۲۴	-۶	۳۶	۱۸	۱۸	۰	۰	۲۴	۱۸	۱۸	۳۶
یزد	۱۰	۶	۴	۱۶	۱۰	۴	۶	۳۶	۶	۴	۴	۴

مآخذ: محاسبات نگارندگان

* (۱) فرمول همبستگی رتبه‌ای اسپرمن (بین میزان خدمات و مهاجرت خالص)

$$1\text{-}\frac{^{6}\sum d^{2}}{n^{3}\text{-}n} \qquad R = 1-\frac{6(1472)}{456950} = 0.99$$

$$1\text{-}\frac{6\sum d^{2}}{n^{3}\text{-}n}$$

(۲) فرمول همبستگی رتبه‌ای اسپرمن (بین میزان خدمات و مهاجرت خالص)

$$=1\text{-}\frac{^{6}\sum d^{2}}{n^{3}\text{-}n} \qquad \text{R}=1-\frac{6(610)}{456950} = \frac{3660}{456950} = 1$$

(۳) فرمول همبستگی رتبه‌ای اسپرمن (بین میزان خدمات و مهاجرت خالص)

$$1\text{-}\frac{^{6}\sum d^{2}}{n^{3}\text{-}n} \qquad \text{R}=1\text{-}\frac{6(1414)}{456950} = \frac{8484}{456950} = 99$$

تحلیل نتایج به دست آمده:

در این پژوهش، استانها با استفاده از ۹ شاخص اصلی که بتوان با تکیه بر آنها میزان توسعه را مشخص کرد، طبقه‌بندی شده‌اند و در مرحله‌ی بعد، استانها از نظر میزان توسعه و مهاجرت و شهرنشینی، مقایسه شده‌اند.

در این بررسی مشخص شده است که همبستگی بالایی بین میزان توسعه و مهاجرت و شهرنشینی در استانهای کشور وجود دارد، که عدد به‌دست آمده از همبستگی رتبه‌ای اسپرمن، رابطه‌ی بین میزان توسعه و مهاجرت، میزان خدمات و شهرنشینی ۱ و میزان مهاجرت و شهرنشینی ۹۹٪ به‌دست آمد، که هر سه مورد نشانگر همبستگی قوی بین هر کدام از رابطه‌هاست.

رابطه‌ی اوّل نشان می‌دهد که هر چه میزان توسعه بالا باشد، میزان مهاجرفرستی کم بوده و در عوض مهاجرپذیر می‌شود و در رابطه‌ی دوم مشخص می‌شود که هر چه میزان توسعه بالا باشد، شهرنشینی نیز بیشتر

---

* ضریب همبستگی، جهت و شدّت رابطه‌ی بین دو متغیّر را تعیین می کند. اگر چه این ضریب به صورت اعشاری بیان می‌شود، ولی تفسیر آن نباید برحسب درصد باشد. همچنین ضریب همبستگی را نمی‌توان به صورت نسبت مورد مقایسه و تفسیر قرار داد. مثلاً نمی‌توان گفت ضریب همبستگی ۹۰٪ دقیقاً دو برابر ۰/۴۵ است. برای اطلاع بیشتر از فرمول همبستگی رتبه‌ای اسپرمن (order correlation- spearman Rank) ر.ک به: (دلاور، ۱۳۸۰: ۱۶۰).

خواهد شد. این دو در تقابل با همدیگراند و بر هم اثر متقابل دارند و در رابطه‌ی سوم که رابطه‌ی بین مهاجرت و شهرنشینی را نشان می‌دهد، باز نشانگر همبستگی بالای بین این دو موضوع است. یعنی استانهای دارای شهرنشینی بالا، مهاجرپذیر بوده و بر عکس استانهای با شهرنشینی پایین مهاجر فرست‌اند.

موارد بالا یک حالت کلّی را نشان می‌دهد، ولی استثناهایی هم وجود دارند، که از روابط بالا پیروی نمی‌کنند، و باید دلیل آن‌را در جای دیگر جستجو کرد. مثلاً استان آذربایجان شرقی با این‌که از نظر میزان توسعه و شهرنشینی جزو استانهای توسعه یافته و سطح بالای کشور محسوب می‌شود، ولی از نظر میزان مهاجر فرستی مقام اوّل را در کشور دارد. این مسأله نشان می‌دهد که فقط ضعف توسعه نیست که موجب مهاجر فرستی می‌شود، بلکه عوامل دیگری در این قضیه دخیل‌اند که باید در برنامه‌ریزی مورد بررسی قرار گیرند. اگر از این موارد اندک صرف‌نظر شود، در حالت کلّی استانهای با توسعه‌ی بالا دارای مهاجرت پایین و شهرنشینی بالایی هستند. یافته‌های بالا نشان می‌دهند که تمرکز جمعیّت در کشور، از تمرکز خدمات پیروی می‌کنند.

نتایج و پیشنهادها:

در تمام منابع بررسی شده، یکی از مهمترین عوامل فقر و عقب ماندگی مناطق، توزیع نامتعادل سرمایه‌گذاری در کشور می‌باشد، یعنی تمرکز ثروت و امکانات در یک منطقه‌ای باعث شده که دیگر مناطق از رشد و توسعه باز بمانند. همان‌گونه که آمارها نشان می‌دهند، درچندین دهه میزان سرمایه‌گذاری که در تهران صورت گرفته است، بیش از سایر مناطق کشور است و این تمرکز بیش ازحد باعث شده تا علاوه بر این‌که بقیه‌ی مناطق از رشد و توسعه باز بمانند، خود تهران نیز دچار مشکلات زیادی شده است. به گونه‌ای که حتی از نعمت هوای پاک محروم گردیده است. چنانچه هرازگاهی، به خاطر آلودگی هوای بیش از حد، مدارس تعطیل می‌شوند و به افراد مریض هشدار داده می‌شود که حتی الإمکان به بیرون از خانه نیایند. همه اینها نتیجه‌ی سرمایه‌گذاری غیرمتعادل در سطح کشور است.

علاوه بر تمرکزگرایی بیش از حد، مشکل دیگر اقتصاد ایران توزیع نامتعادل اشتغال در بخشهای مختلف اقتصادی (کشاورزی، صنعت، خدمات و...) می‌باشد. که بخش عمده‌ای از جمعیّت کشور به جای اشتغال در کارهای تولیدی، مشغول واسطه‌گری و کارهای خدماتی غیر مولّداند.

اگر این توزیع نامتعادل بخشهای اقتصادی ریشه‌یابی بشود، مشکل به توزیع نامتعادل ثروت در کشور باز می گردد. عدم سرمایه گذاری مناسب در مناطق محروم، موجب مهاجرت بی رویه‌ی آنها به شهرهای بزرگ شده و اکثراً به خاطر کمبود شغل و یا نداشتن مهارت خاصّی رو به مشاغل خدماتی و کارهای واسطه گری (که اکثراً نیاز جامعه هم نیستند) می آورند. برای رفع این معضل پیشنهاد می‌شود در درجه‌ی اوّل (هر چند دیرهنگام) از این وضعیّت جلوگیری شود، چون ضرر از هر کجا گرفته شود، سود است و در برنامه‌های بعدی، سرمایه گذاری متناسب با میزان محرومیّت و ظرفیّت‌ها و استعداد ذاتی مناطق باشد و در مرحله‌ی بعد به توزیع و انتقال سرمایه‌ها از مناطق با تراکم بالا به مناطق ضعیف و محروم اقدام شود. مثلاً کارخانه‌هایی که در شهرهای بزرگ هم باعث آلودگی هوا شده و هم موجب تمرکز جمعیّت می‌شوند به مناطقی که از نظر اشتغال مشکل داشته و توان بالقوه دارند انتقال یابند، که هر چند در کوتاه مدّت سرمایه گذاری زیادی می‌طلبد، ولی در دراز مدّت باعث توسعه‌ی پایدار در کشور خواهد شد.

منابع و مآخذ:

۱. ارجمندنیا، اصغر (۱۳۶۹)، *هدف اجتماعی در شهرهای جدید، شهرهای جدید فرهنگی در شهرنشینی*، مجموعه مقالات ارائه شده. در سمینار شهرهای جدید، وزارت مسکن و شهرسازی.

۲. اوبری ا.ا.اس (۱۳۷۰) ؛ *مهاجرت، شهرنشینی و توسعه*، ترجمه و فرهنگ ارشاد، ناشر مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، تهران.

۳. ایمانی راد، مرتضی (۱۳۶۹)؛ *توسعه و برنامه در جهان سوم با نگاهی به تجارب توسعه ایران*، انتشارات پیشبرد، تهران.

۴. جوان، جعفر (۱۳۸۳)، *جغرافیای جمعیّت ایران*، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.

۵. حسین زاده دلیر، کریم (۱۳۸۰) ؛ *برنامه‌ریزی ناحیه‌ای*، انتشارات سمت، تهران.

۶. دلاور، علی (۱۳۸۰)؛ *احتمالات و آمار کاربردی در روانشناسی و علوم تربیتی*، انتشارات رشد، تهران.

۷. زنجانی، حبیب الله (۱۳۷۱) ؛ مجموعه *مباحث جمعیّتی، جمعیّت و توسعه*، نشر مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.

۸. زمردیان، محمدجعفر (۱۳۶۴)؛ *اصول و مبانی برنامه‌ریزی ناحیه‌ای*، ناشر کتابستان مشهد.

۹. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (۱۳۸۱)، مرکز آمار ایران ؛ *خلاصه آمارهای پایه‌ای استانها*، ناشر مدیریت انتشارات و اطلاع رسانی، تهران.

۱۰. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور(۱۳۸۱)، مرکز آمار ایران، *مهاجرت و شهرنشینی در ایران*، ناشر دفتر انتشارات و اطلاع‌رسانی، تهران.

۱۱. شکوئی، حسین(۱۳۷۴)؛ *دیدگاههای نو در جغرافیای شهری* (جلد اوّل)، انتشارات سمت، تهران.

۱۲. شیعه، اسماعیل(۱۳۸۰)، *با شهر و منطقه در ایران*، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.

۱۳. عظیمی، حسین(۱۳۷۲) ؛ *مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصادی ایران*، نشر نی، تهران، ۱۳۷۲.

۱۴. فیندلی، سلی(۱۳۷۲)؛ *برنامه‌ریزی مهاجرت‌های داخلی*، ترجمه‌ی عبدالعلی لهسائی زاده، ناشر نوید، شیراز.

۱۵. لهسائی زاده، عبدالعلی(۱۳۶۸)؛ *نظریّات مهاجرت*، ناشر نوید، شیراز.

۱۶. مشهدی زاده دهاقانی، ناصر(۱۳۷۴)؛ *تحلیلی از ویژگی‌های برنامه ریزی شهری در ایران*، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.

۱۷. معصومی اشکوری، سید حسن(۱۳۷۶)؛ *اصول و مبانی برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ناشر مؤلف صومعه سرا.

۱۸. مهدوی، مسعود(۱۳۷۱)؛ *مبانی جغرافیای جمعّیت*، ناشر دانشگاه پیام نور، تهران.

۱۹. نراقی، یوسف (۱۳۷۰)؛ *توسعه و کشورهای توسعه نیافته*، مطالعه تحلیلی از جنبه‌های نظری ـ تاریخی، توسعه نیافتگی، ناشر انتشار، تهران.

۲۰. نظری، علی اصغر(۱۳۷۶)، *جغرافیای جمعّیت ایران*، انتشارات دانشگاه پیام نور.